

ابعاد ماجرای هک سامانه‌های ۲۰ بانک ایرانی درگفت‌وگو با پوریا آسترکی، کارشناس امنیت سایبری

انحصار در شبکه پرداخت مهم‌ترین علت آسیب‌پذیری نرم‌افزارهای بانکی است



علی مزروعی خبرنگار گروه شد روز

در روز چهارم اخیر خبری در فضای رسانه‌ای به نقل از پلتیکو منتشر شد که در آن ادعا شده بود: «درپی یک حمله سایبری توسط گروه هکری با عنوان «آی آر لیکس» به ماه گذشته اطلاعات ۴۰ بانک ایرانی به سرقت رفته و شرکت «توسن» به عنوان تأمین‌کننده خدمات الکترونیکی برای بانک‌های ایران ناچار به پرداخت باجی ۳ میلیون دلاری به هکرها شد تا از انتشار داده‌ها و اطلاعات حساب میلیون‌ها ایرانی جلوگیری کند.» اگر چه هنوز هیچ واکنش رسمی به این خبربروز داده نشده‌اما در صورت صحت انتقاد رخ داده‌هک شکست‌بزرگ امنیتی رخ داده که به راحتی نمی‌توان از کنار آن عبور کرد. به ویژه که در چند ماه اخیر حملات هکری متعددی علیه نهادهای دولتی و غیردولتی رخ داده و در مواردی نیز اطلاعات بزرگی از کشور به سرقت رفته است. برای بررسی ابعاد حمله هکری احتمالی با پوریا آسترکی، کارشناس حوزه امنیت سایبری به‌گفت‌وگو پرداخته‌ایم. آسترکی این اتفاق را نتیجه وجود انحصار در طراحی نرم‌افزارهای بانکی دانسته و در این باره معتقد است: «کل سیستم بانکی دست چهار پانچ شرکتی است که حول و حوش بانک مرکزی قرار دارند و با استفاده از انحصاری که در اختیار بانک مرکزی بوده رشد کرده‌اند؛ بعد هم به یکباره کل دیتای کشور از دست آنها خارج شده است. داشتن این نظام پرداخت فرصت‌های اقتصادی و تجاری زیادی را از بخش خصوصی گرفته است.» مشروح گفت‌وگو با آسترکی را در ادامه می‌خوانید.

□ □ □

دستگاه‌های امنیتی خارجی پشت‌پرده اقدامات «آی آر لیکس»

آسترکی با توجه به برخی نشانه‌ها احتمال حمایت شدن گروه «آی آر لیکس» توسط دستگاه‌های امنیتی وابسته به دولت‌های خارجی را مطرح کرده و می‌گوید: «گروه آی آر لیکس به‌طور تخصصی مجموعه‌هایی را در ایران هدف قرار می‌دهند که در آنها بیگ دیتا تولید می‌شود. این هک‌های مکرر نمی‌توانند صرفاً کار گروهی باشند که علاقه‌مند به هک کردن هستند و نیول می‌گیرند. حتماً مشوق‌های امنیتی و سیاسی در پشت صحنه وجود دارد. هرچقدر هم که شبکه اطلاعاتی ما ایرادات زیادی داشته باشد این از توان یک گروه هکری خارج است که بتواند کل کشور را هک کند. مدل‌های هک آنها هم تنوع دارد؛ مثلاً هک پست‌بنزین هارماند و رویکرد متفاوتی داشت با هک بانک‌ها و این هم باز متفاوت بود با هک اسنپ و تپسی و شرکت‌های بیمه‌ای یعنی اینها احتمالاً یک مجموعه هم نیستند، بلکه چند تیم هستند که در انواع حملات سایبری تخصص دارند و اقدامات‌شان تحت یک عنوان رسانه‌ای می‌شود. این امر نیز شباهه حمایت‌های امنیتی و دولتی از آنها را تقویت می‌کند.»

خط روایت باید دست ما باشد

درحالی‌که چند هفته‌ای است گروه‌هایی در مورد هک بانک‌های ایرانی دست به دست می‌شود و نشریه بلتیکو نیز مفصلابه آن پرداخته، هنوز هیچ مقام رسمی در دیتا بیاد این خبر اظهار نظر نکرده است. این سکوت باعث می‌شود تا در صورت شیظنت رسانه‌های غربی روایت‌های جعلی آنها غالب شود. در صورت صحت اتفاقی با چنین ابعاد امنیتی اتفاقا مقامات ایرانی خودشان باید خط روایت را در دست گرفته و مانع از آن شوند که یک شکست امنیتی تبدیل به یک شکست رسانه‌ای شود. سکوت در فضای رسانه‌ای نه تنها جلوی ایجاد التهاب را نمی‌گیرد، بلکه دست رسانه‌ها معاند را برای روایت‌سازی و دامن زدن به نگرانی و التهابات اجتماعی بازتر می‌کند. هدفی که همیشه برای شبکه امنیتی و دولتی حامی آی آر لیکس کمتر از اهمیت شکست امنیتی ایران نیست. بی‌توجهی به اقتناع افکار عمومی در مواقع بحران باعث می‌شود تا طرف مقابل این امکان را داشته باشد که حتی از شکست خود نیز تصویری پیروز ساخته و از آن برای تحقیر توان امنیتی ایران حد اکثر استفاده را ببرد. برای جلوگیری از این اقدام حداقلی‌ترین کار ورود عادلانه به ماجرا و ارائه روایت منطقی از آن است.

انحصار در نرم‌افزارهای بانکی در مواقع بحران کل شبکه را در معرض خطر قرار می‌دهد

پوریا آسترکی در ابتدا ابعاد حمله گزارش شده و این‌گونه تشریح می‌کند: «چند هفته

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

ابعاد ماجرای هک سامانه‌های ۲۰ بانک ایرانی درگفت‌وگو با پوریا آسترکی، کارشناس امنیت سایبری

انحصار در شبکه پرداخت مهم‌ترین علت آسیب‌پذیری نرم‌افزارهای بانکی است

پیش این شایعه پخش شد که نظام بانکی کشور هدف یک حمله سایبری گسترده قرار گرفت ولی نشانه‌ای از اختلال دیده نشد. به نظر می‌آید که خبر بلتیکو اشاره‌ای به همان خبر دو هفته پیش دارد و احتمالاً اگر حمله‌ای صورت گرفته در همان مقطع است. این اتفاق در مورد اسنپ و تپسی هم رخ داد و همچنین بیمه‌ها که مبلغی پرداخت نکرده و دیتای‌شان افشا شده است. هنوز رسماً واکنشی در مقابل این خبر منتشر نشده‌است. بانک مرکزی که متولی اصلی قضیه است باید واکنش نشان دهد.» آسترکی در اختیار گرفتن انحصاری زیرساخت‌های پرداختی توسط بانک مرکزی را عاملی دانست که می‌تواند در مواقع خطر بحران‌آفرین باشد. او در این باره توضیح داد: «در کشور ما زیرساخت پرداختی به صورت انحصاری در اختیار بانک مرکزی است. برای سایر کشورها لزوماً این‌گونه نیست. ما یک سامانه پرداخت کلی به نام شاپرک داریم که به شکل انحصاری در اختیار بانک مرکزی است و یک سری هم سامانه‌های در اختیار بانک‌ها است که همه آنها نیز در یک شبکه یکپارچه بایکدیگر مرتبط هستند. شرکت توسن هم تولیدکننده همین سامانه‌ها است. ظاهر ا فهرست بانک‌های هک شده همان بانک‌هایی هستند که سامانه‌شان توسط شرکت توسن طراحی شده است. این شیوه چینش شبکه که نوع نرم‌افزارها و همچنین انحصار بانک مرکزی سال‌ها مورد انتقاد هم بوده است. ترکیب بندی نرم‌افزارهای پرداخت و همچنین شبکه یکپارچه سال‌هاست که مورد انتقاد کارشناسان دارای تخصص در حوزه زیرساختی بانکی بوده است. زمانی که همه از یک نرم‌افزار استفاده می‌کنند، همه در یک شبکه قرار دارند و این شبکه فقط یک متولی دارد و در چنین مواقعی کل دیتای کشور آسیب می‌بیند و مورد دستبرد قرار می‌گیرد.»

باج دهی به هکرها شاید بعد عمومی افشای اطلاعات را خنثی کند اما در بعد امنیتی اثری ندارد

این کارشناس حوزه سایبر در پاسخ به این پرسش که آیا باج دادن به گروه‌های هکری اقدامی عاقلانه محسوب می‌شود یا می‌تواند آنها را به اقدامات بیشتر علیه کشور ترغیب کند، گفت این باج‌دهی با هدف جلوگیری از یک اتفاق بدتر انجام می‌شود. آسترکی در این باره گفت: «البته هنوز هیچ منبع موثقی واکنشی مبنی بر رد یا تأیید این شایعه بروز نداده است. کسی که دارد برای افشا شدن دیتاهایش باج می‌دهد دارد از یک اتفاق بدتر پیشگیری نمی‌کند. گروه‌هایی که در این سطح هک می‌کنند مثل آی آر لیکس که ادعا می‌شود در اتفاق اخیر دلیل خود، دیتاهایی که به دست می‌آوند را در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی خارجی قرار می‌دهند که اگر پول هم پرداخته شود تضمینی برای عدم انجام این کار وجود ندارد. یعنی آن بخش امنیتی داستان از دست رفته است اما افشای اطلاعات به صورت عمومی که کاربردهای تجاری هک محسوب می‌شوند می‌تواند برای شهروندان و مشتریان بانک‌ها خطرات جدی ایجاد کند. آسترکی بی‌توجهی به از دست رفتن دیتاهای مردم را نیز امری غلط توصیف کرد و توضیح داد: «یک فرهنگ اشتباه هم در مورد وجود دارد که می‌گویند آنها اطلاعات خاصی در اسنپ ندارند؛ که افزایش باعث متضرر شدن‌شان شود. اما این‌گونه نیست؛ چراکه گروه‌هایی که دست به هک می‌زنند زمانی که دیتای بخش‌های مختلف مثل اسنپ، تپسی، بیمه‌ها و بانک‌ها را دارند از طریق ارتباط دادن این داده‌ها به هم اطلاعات عجیب‌و غریب زیادی به دست می‌آوند. این اطلاعات دقیق و گسترده داده‌های خوبی درباره رفتارهای کلان جامعه و همچنین رفتار افراد مهم در اختیار هکرها قرار می‌دهد که می‌تواند امنیت اجتماعی و امنیت افراد مهم جامعه را به خطر بیندازد.»

انحصار در شبکه پرداخت بخش خصوصی را متضرر می‌کند

آسترکی معتقد است انحصار در نظام پرداخت شرکت‌های خصوصی توانمند در حوزه نرم‌افزار را متضرر کرده و آنها را به حاشیه می‌راند. او در این باره توضیح می‌دهد: «در اثر سیاست‌هایی که در کشور ما بوده است، سال‌ها به جای توجه به امنیت روی فیلترینگ سرمایه‌گذاری شده است. به جای ایجاد شبکه‌های مختلف بانکی در نظام پرداختی کشور انحصار آن در اختیار بانک مرکزی قرار داده شده و بانک مرکزی هم کل پروژه‌های فنی مربوطه را در اختیار چند شرکت خصوصی مثل توسن یا شرکت‌های وابسته به خود بانک مرکزی مثل شاپرک قرار داده است. کل سیستم بانکی دست این چهار پانچ شرکتی است که در حول و حوش بانک مرکزی قرار دارند و با استفاده از انحصاری که در اختیار بانک مرکزی بوده رشد کرده‌اند.

بعد هم به یکباره کل دیتا کشور از دست آنها خارج شده است. اگر خدای نکرده حمله سایبری شود و نظام پرداخت مورد آسیب قرار گیرد تمام سیستم پرداختی می‌خوابد. داشتن این نظام پرداخت فرصت‌های اقتصادی و تجاری زیادی را از بخش خصوصی گرفته است. یعنی این ضرری برای بخش خصوصی است. یک سیاست‌گذاری اشتباه که این انحصار را ایجاد کرده است باعث می‌شود که انواع و اقسام مشکلات امنیتی پیش بیاید. در شرایطی که خودش هم یک پدیده ضد اقتصادی و مخرب است.»

استفاده از روش‌های آپدیت نشده و غیر قانونی؛ آفت نظام پرداختی ایران

این کارشناس حوزه سایبر مهم‌ترین اقدامات برای جلوگیری از تکرار حملات مشابه را استفاده از نرم‌افزارهای به‌روز جهانی دانسته و نیز در مورد نقش تحریم‌ها در این حملات می‌گوید: «اینها از ماژول‌های جهانی استفاده می‌کنند؛ هم در بحث سخت‌افزار، هم شبکه و هم نرم‌افزار. در بسیاری از مواقع از نرم‌افزار و دسترسی استفاده می‌شود که به دلیل تحریم‌ها در ایران آپدیت نمی‌شود. لایسنس نرم‌افزار قانونی نیست. همه اینها روی هم تعداد زیادی حفره و نقاط خطر در سامانه‌ها به وجود می‌آورد. این را باید نشست و فکری برایشان کرد و از اول چیزی را ساخت و آورد بالا. من در اخباری که مرور می‌کنم شنیده‌ام که در هیچ‌جا حتی دنیا سامانه‌های دولتی به اندازه ایران هک شوند. مثلاً من خاطرم هست که چند سال پیش بخشی از شبکه ما نرم‌افزارهای سیسکو خود را آپدیت نکرده بودند و در نتیجه شبکه ما به یکباره دچار اختلال شد. این اتفاق در ایران مکرراً و زیاد رخ می‌دهد، علتش هم این است که یک نظام یکپارچه به دلیل تحریم‌ها شکل نگرفته که بتواند کل شبکه، نرم‌افزارها و سخت‌افزارها را به لحاظ امنیتی از همان ابتدا ممیزی کند. صرفاً روی محصولات نهایی مباحث امنیتی چک می‌شود، درحالی‌که نقاط ورود صرفاً در محصول نهایی نیست؛ ممکن است یک سوئیچ در یک شبکه باشد که محل آسیب زدن قرار گیرد و آن سوئیچ هم به‌طور غیرقانونی در ایران مورد استفاده قرار گرفته شده، به همین دلیل نیز آپدیت نشده و بسته‌های امنیتی به‌روز روی آن نصب نشده است. هرچقدر هم محصول نرم‌افزاری که شرکت توسن درست کرده محصول امنی باشد آن سوئیچ باعث می‌شود کل شبکه لر ببرد.»

آسترکی ورود شرکت‌های خصوصی نرم‌افزاری را در رفع این معضل موثر دانسته و معتقد است: «اما هم به یک تفکر امنیتی جدید در ساخت نرم‌افزارهای حاکمیتی نیاز داریم و هم اینکه باید انحصار از دست بانک مرکزی و شرکت‌های اطراف‌شان خارج شود تا بخش خصوصی هم بتواند نظام پرداختی و زیرساخت بانکی ایجاد کند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد ما این آسیب‌پذیری‌ها را داریم. ورود بخش خصوصی و شرکت‌های نوظهور، به این حوزه می‌تواند خیلی از تجارب رانند کند. سه تا چهار دهه است که نرم‌افزارهای بانکی ما وارد روی می‌شود و در مسیر می‌آید. بعضاً ماژولی امروز استفاده می‌شود که دهه ۷۰ نوشته شده است. اینها خودش برای کشور خطر محسوب می‌شود.»

سیاست امنیتی حاکم بر فضای نرم‌افزار نباید صرفاً فردمحور باشد

آسترکی در پایان مهم‌ترین آسیب نظام امنیتی حاکم بر فضای تولید نرم‌افزار را تمرکز آن بر افراد و کم‌توجهی به مجموعه‌های بزرگ دانسته و این آسیب را این‌گونه مورد نقد قرار می‌دهد: «نظام امنیتی در کشور بر فضای تولید نرم‌افزار حاکم است که به نظر می‌رسد بیشتر روی افراد تمرکز دارد. مثلاً ما در کشور مرکزی داریم که کارش نظارت امنیتی روی همین نرم‌افزارهای حساس است. اگر فردی نرم‌افزار می‌سازد و بخواهد مجوز بگیرد خیلی بررسی‌ها روی آن فرد می‌شود؛ آن‌حال آنکه سامانه‌های پیچیده‌از ماژول‌های مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری استفاده می‌کنند و این‌گونه نیست که یک نرم‌افزار بانکی توسط یک تیم از ابتدا تا انتها نوشته شود. لذا باید روی آنها هم یک ممیزی اتفاق بیفتد تا کل آن سامانه و شبکه امن باشد. اینکه بگوییم در یک شرکت نرم‌افزاری پنج متخصص امنیتی حضور دارند پس نتیجه‌گراییم که محصول خروجی ایمن است روش درستی نیست. تا به حال این‌گونه کار درست پیش نرفته و می‌بینیم که به‌طور مکرر هک سامانه‌های دولتی و خصوصی بزرگ در اتفاق می‌افتد. این نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری امنیتی اشتباه بوده است.»

نقش دولت‌ها

در افزایش مبتلایان

به دیابت در کشور

چقدر است؟

کیانوش جهانپور

سخنگوی سابق وزارت بهداشت

بیماری دیابت، از بیماری‌های مزمن و البته شایع در جهان است ولی شیوع آن در جوامع و کشورهای و به‌خصوص در نژادهای مختلف متفاوت است. به‌هرحال به‌جز عامل وراثت و ژنتیک، عوامل محیطی به‌شدت در شیوع دیابت خصوصاً در دیابت نوع دوم موثر است و قاعدتاً فاکتورهای مربوط به سبک زندگی درکنار وراثت و نژاد در شیوع اثرگذار است. مطالعات مختلفی در ایران انجام شده و برآورد‌ها چنین است که جمعیت ایران چیزی بین ۷ تا ۸ درصد و در مطالعات جدیدتر به شکل بدبینانه حتی عددی ۱۱ تا ۱۲ درصد نیز برای جمعیت دیابتی کشور گزارش شده که آمار بالایی برای ابتلا به دیابت است. در مطالعات انجام‌شده می‌بینیم که در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در ایران دیابت شیوع کمتری دارد. این موضوع از لحاظ سبک زندگی قابل توجه است و به نظر می‌آید بخشی از دیابت در ایران به‌شدت وابسته به سبک زندگی است. به‌رغم وجود عوامل ژنتیکی و وراثتی، سبک زندگی است که می‌تواند هم در شیوع دیابت موثر باشد و هم اینکه سن بروز دیابت را در افراد به‌تأخیر یا به‌تعمیق بیندازد. به‌هرحال تحرک فیزیکی، رژیم غذایی، نوع تغذیه، سفر، خانوار و ذهنیات رفتارهای مربوط به سبک زندگی در بروز و شیوع دیابت موثرند. در کشور ما تفاوت درگیری با دیابت را در استان‌ها می‌بینیم مثلاً در برخی استان‌های غربی در گذشته کمترین شیوع دیابت را داشتیم و در استان‌های دیگر به‌خصوص در مرکز کشور شیوع بالاتر بود. در همه اینها علاوه‌بر ژنتیک و وراثت، مساله سبک زندگی به‌شدت تأثیرگذارند.

به‌هرحال ادعا می‌شود که سهم عوامل اجتماعی موثر بر سلامت بزرگی است و حتی بیشتر از خود حوزه سلامت و وزارت بهداشت بر سلامتی اجتماع تأثیر دارد. عوامل اجتماعی موثر بر سلامت شامل عوامل اقتصادی، تغذیه‌ای، شغلی و روانی، رفاهی، اجتماعی و مسائل دیگری که ممکن است سبک زندگی افراد را تحت‌تأثیر قرار دهد. اقتضای شغلی، اقتضای زندگی اجتماعی و وضعیت روانی و اجتماعی و تمام این موارد می‌توانند در بروز و شیوع دیابت موثر باشند. قاعدتاً دولت‌ها به‌خصوص در کشورهایی مانند ایران با توجه به گستردگی ماموریت‌شان و انتظاراتی که از آنها وجود دارد، نمی‌توانند خواشان را میرا از تأثیر نقش منفی یا مثبت خود در این حوزه باندانند. هم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودشان موثر بوده‌اند و هم اینکه تغییرات فرهنگی که فارغ از دولت‌ها در جامعه اتفاق افتاده مانند کاهش تحرک فیزیکی، رفتارهای غلط نهادینه‌شده، موثر بوده و تمام این عوامل دست به دست هم داده تا در سال‌های اخیر بزرگ‌تر از گذشته به چشم بیاید. قطعاً دیابت را نمی‌توان به‌صفر رساند. دیابت انواع ۱ و ۲ هیچ‌گاه به‌صفر نمی‌رسد ولی اینکه شیوع افزایش پیدا کند یا سرعت افزایش فراتر از سرعت جمعیت باشد، وابسته به عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت است. این عوامل اجتماعی موثر بر سلامت نیز متأثر از بخش عمده‌ای از سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌های دولتی است.

در دنیا علاوه‌بر پزشکی اجتماعی فراتر از آن ترمنولوژی مرتبط با پزشکی سیاسی را داریم، یعنی بسیاری از رفتارهای سیاسی و سیاست‌گذاری‌ها بر سلامت افراد موثرند و می‌توانند در کاهش یا افزایش شیوع بیماری‌ها اعم از بیماری‌های مزمن یا حتی بیماری‌های حاد موثر باشند. ساده‌ترین اتفاقات سیاسی که ممکن است درظاهر هیچ ارتباطی به سلامت نداشته باشد، می‌تواند تأثیرات اجتماعی داشته باشد و به‌عنوان عامل اجتماعی موثر بر سلامت جامعه خودش را در مواقع مختلف نشان دهد. به‌هرحال در جنبه‌های شخصی یا جنبه‌هایی که به‌نوعی وابسته به گروه‌های کوچک اجتماعی است، موضوع آموزش بهداشت و ارتقای سلامت مطرح است. اینکه افراد آموزش‌های لازم را ببینند یا سعی در خودآموزی آموزش‌های لازم داشته باشند و سبک زندگی‌شان را ارتقا دهند از شیوع بیماری‌هایی مانند دیابت و حتی فشارخون جلوگیری می‌کند.

در این بیماری‌ها و به‌دنبال آنها بیماری‌هایی قلبی و عروقی، افراد با ارتقای خودسلامتی، سبک زندگی، رژیم غذایی و اصلاح رفتارهای فیزیکی به‌شدت می‌توانند در کاهش شیوع بیماری موثر باشند. همچنین دولت‌ها با تأثیر بر فضای اجتماعی می‌توانند بر کاهش شیوع این دست از بیماری‌ها در جامعه نیز موثر باشند. شاید بهترین واژگانی که می‌توان برای آن به کار برد «خودمراقبتی» است. ما علاوه‌بر حوزه پیشگیری قاعدتاً سطوح دیگری مانند تشخیص زودهنگام و دریافت درمان مناسب را داریم. اگرچه باید به‌سمت پیشگیری از بروز و شیوع این دست از بیماری‌ها رفت، عنصر دیگری که باید در جامعه آموزش داد و در خودمراقبتی لحاظ کرد آموزش برای تشخیص زودهنگام است. قبل از اینکه عوارض بیماری تشدید یا بروز پیدا کند، دریافت درمان مناسب مساله‌ای جدی است. علاوه‌بر سبک زندگی نامناسب و نه‌چندان سالمی که در کشور داریم و شیوع بیماری‌های غیرواگیر را افزایش داده، مساله دیگرمان در دست‌های دوم و سوم پیشگیری یعنی تشخیص بهنگام است که عموماً این اتفاق در بسیاری از اقشار رخ نمی‌دهد و دیابت یا فشارخون دیرتر از زمان بروزش تشخیص داده می‌شود. این موضوع می‌تواند عوارض و هزینه‌های بیشتری را هم بر فرد، هم خانواده و هم بر نظام سلامت و جامعه تحمیل کند. مساله دیگر آموزش‌پذیری و بحث پذیرش دریافت درمان مناسب و بهنگام است که باز هم درمورد بیماری‌های غیرواگیر می‌بینیم افرادی که شناسایی شده‌اند متأسفانه پذیرش مناسبی ندارند و درمان را به‌صورت مستمر دریافت نمی‌کنند. به‌نوعی عدم تحمل یا امتناع از دریافت درمان مناسب و مستمر دارند که این موضوع نیز آسیب‌های این دست از بیماری‌ها را بر فرد، خانواده و اجتماع مضاعف می‌کند.

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان

شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۲۲۲

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

واقعیت پرداختی‌ها به پرستاران چه بود؟

با بیمارستان‌های دولتی ن‌دارند و به سمت بخش خصوصی روانه می‌شوند و بر همین اساس نیز بار روی دوش پرستارانی که در بیمارستان‌های دولتی باقی می‌مانند، چندبرابر می‌شود.

پرداخت معوقات و افزایش ضریب ریالی اضافه‌کار در دست‌ورکار دولت

پس از جدی شدن ماجرای اعتراضات، بالاخره وزارت بهداشت برای حل و فصل مطالبات وارد ماجرا شد. عباس عبادی، معاون پرستاری وزارت بهداشت ۷ شهریور ماه گفت: «بنابر اظهارات رئیس‌جمهور و وزیر بهداشت، برنامه‌ها پرداخت معوقات کارکنان نظام سلامت به ویژه پرستاران و» رسیدگی به وضعیت دارو» جزء اولویت‌ها و برنامه‌های وزارت بهداشت در نظر گرفته شده است. برنامه‌های «پرداخت معوقات» و «افزایش ضریب ریالی اضافه‌کار» به عنوان برنامه‌های فوری مرتبط با گروه شغلی پرستاران تعریف شده و مابقی موارد مرتبط آنها در لایحه «حمایت‌مادی و معنوی گروه پرستاری» مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس اولویت‌های وزارت بهداشت، جالش‌ها و مسائل مربوط به گروه شغلی پرستاران در جلسات هیات‌دولت مورد بررسی قرار گرفته است. فرآیند پرداخت معوقات پرستاران که یکی از مسائل آنها به حساب می‌آید از چندروز گذشته آغاز شده و پیش‌بینی‌هایی‌انگیز این است که پرداخت مطالبات این گروه شغلی، حداکثر تا ۳ هفته آینده به پایان می‌رسد. اعتبار مورد نیاز را محاسبه و به دولت اعلام کرده‌ایم. در حال حاضر در انتظار پرداخت بوجه مورد نیاز این موضوع از سوی سازمان اداری و استخدامی هستیم که روند پرداخت‌ها را تسریع کنیم. بوجه مورد نیاز پرداخت معوقات پرستاران ۷۵٫۵ همت اعلام کرده‌ای، اما در انتظار پاسخ دولت برای بوجه تخصیص یافته هستیم.» معاون پرستاری وزارت بهداشت بیان کرد: «اصلاح ضریب ریالی اضافه‌کار پرستاران را در دستورکار قرار داده‌ایم. معاونت پرستاری و وزارت بهداشت، پیشینه‌های خود را در ارتباط با اصلاح ضریب ریالی اضافه‌کار پرستاران در گذشته مطرح کرده و به تاگی پیشنهاد‌های خود را از طریق وزارت بهداشت به «سازمان اداری و استخدامی کشور» و «شورای امنیت کشور» و «هیات‌دولت» ارسال کرده است. اگر پیشنهاد‌های وزارت بهداشت تصویب شود به



طی چند هفته گذشته پرستاران به دلیل عدم پرداخت مطالبات، وضعیت بد پرداختی و معیشتی‌شان در بیمارستان‌های مختلف کشور دست به اعتصاب زدند. اعتصاب‌های اخیر از یکی از

بیمارستان‌های استان البرز شروع شد و رفته‌رفته به کلاشهرهای دیگر کشور رسید. آن‌گونه که اعتراضات بیمارستان‌های دولتی شیراز پیش از این به «فرهیختگان» گفته بودند، اعتراضات آنها در شیراز به چندماه پیش بازمی‌گردد و چندین بار روی‌روی استانداری، دانشگاه علوم پزشکی و دفتر امام جمعه تجمع کرده بودند. تا اینکه چند هفته قبل یکی از پرستاران بیمارستان‌های دولتی شیراز خودکشی کرد. پس از گذشت چندروز از خودکشی پرستار شیرازی، یک بهیار در یکی دیگر از بیمارستان‌های شیراز دست به خودکشی زد. پس از این دو خودکشی در فاصله چند روز، تعدادی از پرستاران بیمارستان چمران شیراز پیشنهاد اعتصاب را مطرح کردند و این مساله عنوان شد که در شیفت‌هایشان حضور پیدا نکنند. در آخر هم این اتفاق افتاد و ۱۵ مرداد حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد از پرستاران بیمارستان چمران شیراز در شیفت‌های کارشان حاضر نشدند و اعتصاب‌ها به حدی جدی شد که رفته‌رفته دیگر کلاشهرهای کشور نیز دست به اعتصاب زدند. البته در بین همین اعتصاب‌های پرستاران در میان خود این قشر، مخالف و موافقان خودش را داشت و علی‌رغم تأکید بر عدم احقاق حقوق پرستاران از سوی وزارت بهداشت ولی باز هم ماجرا مخالف داشت. اعتصابات پرستاران و اعتراض به وضعیت پرداختی‌ها و مطالبات‌شان رسانه‌ها را نیز پای کار آورد و این بار انعکاس مطالبات پرستاران نیز جدی‌تر بود. از مهم‌ترین مطالبات پرستاران، اصلاح پایه حقوق و اصلاح رقم اضافه‌کارشان بود. وضعیت پایه حقوق پرستاران نسبت به پرورش تخت‌هایی که خدمات سلامت ارائه می‌دهند، همخوانی ندارد و رقم اضافه‌کار پرستاران نیز رقم عجیبی است. به گفته خود پرستاران، پرستاران شهرهای مختلف کشور برای هر یک ساعت اضافه‌کار تنها ۲۳ الی ۲۵ هزار تومان دریافت می‌کنند و نهایت دریافتی هر پرستار، حتی یک پرستار با سابقه کار چند ساله، ۱۲ الی ۱۵ میلیون تومان است. با توجه به حجم بالای کار و ارقام ناعادلانه پرداختی به پرستاران، اغلب پرستاران کشور دیگر تمایلی به همکاری